

تنها مسیر برای زندگی بهتر ۱۷

پناهیان: رکن چهارم زندگی بهتر، همراهی مقدرات الهی است/ توجه به اینکه «زندگی ما تحت مقدرات خداست» زندگی ما را بهتر می‌کند/ آمار خداوند در قرآن: «اکثر مردم نمی‌دانند من روزی‌ها را تعیین می‌کنم» +صوت

اگر خدا نخواهد، زندگی بهتر به دست نمی‌آید؛ چه انسان متدین باشد و چه نباشد. همه می‌دانند که همه بخش‌ها یا اتفاقات زندگی انسان، هیچ‌وقت در اختیار خودش قرار نمی‌گیرد؛ حتی اگر کسی به شانس و تصادف معتقد باشد و بگوید: «همه چیز تصادفی است» در اینجا باید بگوید: زندگی بهتر، زندگی‌ای است که «شانس» هم همراه انسان باشد.

حجت الاسلام علیرضا پناهیان که در رمضان گذشته با موضوع «[تنها مسیر-راهدر اصلی در نظام تربیت دینی](#)» سخنرانی کرد و مورد استقبال جوانان قرار گرفت، امسال قرار است به مدت ۳۰ شب در مسجد امام صادق(ع) میدان فلسطین به موضوع «**تنها مسیر برای زندگی بهتر**» بپردازد و به سوال «چگونه یک زندگی بهتر داشته باشیم؟» پاسخ دهد. در ادامه فرازهایی از **هفدهمین جلسه** این سخنرانی را می‌خوانید:

مرور سه رکن اول زندگی بهتر/ اهل عالم قبول دارند که زندگی بی‌محبت و بی‌تلاش زندگی بهتر نیست

- تا اینجای بحث، سه رکن -از چهار رکن- زندگی بهتر را معرفی کردیم و بر اساس این ارکان - گفتیم که زندگی بهتر، زندگی‌ای است که اولاً با عشق و علاقه بیشتر همراه باشد. فکر می‌کنیم که همه اهل عالم بتوانند سر این موضوع توافق کنند که زندگی بی‌روح، بی‌احساس و بی‌محبت شدید، زندگی بهتر نیست.
- ثانیاً زندگی بهتر زندگی‌ای است که با سخت‌کوشی و فعالیت بیشتری همراه باشد، حتی با مبارزه و درگیری همراه باشد. زندگی‌ای که انسان آن را با تلاش خودش به دست می‌آورد، لذت‌بخش‌تر است و فکر می‌کنیم که همه آدم‌ها این را قبول داشته باشند. انسان گاهی با تلاش، یک چیز کمی به دست می‌آورد ولی برایش لذت‌بخش‌تر از چیزهای بیشتری است که دارد ولی آنها را بدون تلاش به دست آورده است.
- ثالثاً زندگی بهتر زندگی‌ای است که انسان در تلاش برای به دست آوردن آنچه مورد علاقه‌اش است، تسلیم محدودیت‌هایی شود که اجتناب‌ناپذیر هستند، و تسلیم دستورهای شود که نمی‌توان از آنها فرار کرد. حالا ممکن است این محدودیت‌ها و دستورات را فکر و فرهنگ و قانون برای ما رقم بزنند و یا دین ما برای ما رقم بزند.

دنیای بدون محدودیت شیرین نیست، همانطور که فوتبال بدون محدودیت شیرین نیست

- زندگی بهتر با پذیرش محدودیت‌های درست و با درست پذیرفتن این محدودیت‌ها شکل می‌گیرد. قشنگ پذیرفتن محدودیت‌ها و زندگی کردن در میان محدودیت‌ها، برای انسان جذابیت دارد. اصلاً زندگی این دنیا بدون محدودیت‌ها شیرین نیست. فقط زندگی در بهشت است که منهای محدودیت‌ها جاذبه دارد و لذا در آنجا هرچه بخواهی بدون محدودیت در اختیار تو قرار می‌گیرد (وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُنَّ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ؛ فصلت/۳۱)

- کسی که زندگی را نمی‌شناسد، به اشتباه تصور می‌کند که این محدودیت‌ها باعث تلخی زندگی شده است. مثل کسی که با بازی فوتبال آشنا نبود که وقتی دید ۲۲ نفر به دنبال یک توپ می‌دوند و بر سر تصاحب آن با هم درگیر می‌شوند و گاهی هم خطا می‌کنند، رفت ۲۱ عدد توپ خرید و آورد وسط زمین ریخت و گفت: «دیگر دعوا نکنید، حالا هر کسی راحت با یک توپ بازی کند!». این اوج نادانی است که کسی نفهمیده باشد که اصلاً این محدودیت، رمز بازی، جزء بازی است و اصل ماجراست، و همین است که بازی را لذت‌بخش کرده است.

رکن چهارم زندگی بهتر «همراهی مقدرات الهی» است / غیرمتدینین هم می‌دانند کارهایشان در دست خداست

- حالا به رکن چهارم زندگی بهتر رسیده‌ایم. در تعریف زندگی گفتیم: زندگی تلاش و مبارزه برای رسیدن به علاقه‌های مدیریت شده است، و همچنین با پذیرفتن محدودیت‌هایی که در این مسیر وجود دارد که البته همه اینها «در بستر مقدرات الهی» است. لذا بر اساس رکن چهارم زندگی (یعنی قرار داشتن در بستر مقدرات الهی) در تعریف زندگی بهتر هم می‌گوییم: طرز زندگی‌ای بهتر است که مقدرات الهی با آدم همراهی کند. **اگر خدا نخواهد، زندگی بهتر به دست نمی‌آید؛ چه انسان متدین باشد و چه نباشد.** همه می‌دانند که همه بخش‌ها یا اتفاقات زندگی انسان، هیچ‌وقت در اختیار خودش قرار نمی‌گیرد؛ حتی اگر کسی به شانس و تصادف معتقد باشد و بگوید: «همه چیز تصادفی است» در اینجا باید بگوید: **زندگی بهتر، زندگی‌ای است که «شانس» هم همراه انسان باشد.**
- رکن چهارم زندگی بهتر «همراهی مقدرات الهی» است. اگر مقدرات الهی همراهی نکند، انسان به‌خوبی می‌فهمد که مقدرات الهی دارند با او مخالفت می‌کند و بر خلاف خواست او رقم می‌خورند. از امیرالمؤمنین (ع) پرسیدند: شما که این قدر به خدا معتقد هستید، به ما بگویید که این اعتقاد خودتان به خدا را از کجا به دست آورده‌اید؟ حضرت فرمود: «عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ» (نهج البلاغه/ حکمت ۲۵۰) یعنی من خدا را به آن لحظاتی شناختم که همه چیز را مرتب کرده بودم تا کار درست در بیاید، اما کارهایم به هم ریخت، لذا فهمیدم که تدبیر امور در دست کس دیگری است و خدا را این‌گونه شناختم (إِنَّ رَجُلًا قَامَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا دَأَّ عَرَفْتُ رَبَّكَ قَالَ يَفْسَخُ الْعَزْمَ وَ تَقْضِي لَهُمْ لَمَّا هَمَمْتُ فَحِيلَ بَيْنِي وَ بَيْنَ هَمِّي وَ عَزَمْتُ فَخَالَفَ الْقَضَاءُ عَزْمِي، عَلِمْتُ أَنَّ الْمُدَبِّرَ غَيْرِي؛ توحيد صدوق/ ۲۸۸)
- بسیاری از اوقات، خداوند در این قایم‌موشک‌بازی زندگی، خودش را به ما نشان می‌دهد و به ما می‌فهماند که «کار در دست من است!» و شما را وادار می‌کند به اینکه بگویید: «ان شاء الله!» بنده آدم‌های غیرمتدینی را دیده‌ام که اصلاً اعتقادات دینی در رفتارهای آنها دیده نمی‌شود ولی در لحظات مختلف زندگی بارها و بارها می‌گویند: «اگر خدا بخواهد!» در حالی که نه اهل نماز و روزه هستند و نه اهل ترک معاصی؛ اصلاً دیندار نیستند و نمی‌خواهند دیندار باشند ولی مدام می‌گویند: «اگر خدا بخواهد» چون می‌فهمند کارهایشان در دست خداست.

توجه به اینکه «زندگی ما تحت مقدرات خداست» زندگی ما را بهتر می‌کند/ زندگی، تعاملی است بین اراده

ما و خدا

- رکن چهارم زندگی بهتر همراهی کردن خواست خدا و مقدرات الهی است. منتها مراقب باشید که یک‌وقت در اثر این بحث‌ها - درباره نقش مقدرات الهی در زندگی انسان - کسی جبری مسلک نشود و نگویید: «پس ما بی‌اختیار هستیم و همه کارها در دست خداست!».
- اینکه «کجاها اختیار در دست خودمان است؟ چه مقدار از کارها در دست خودمان است و چقدرش در دست خداست؟» بحث حساسی است که در روایات بر حساسیت آن تأکید شده است. بحث درباره «لحظه‌های آزادی» انسان یک بحث بسیار پیچیده است. در اینجا فقط همین مقدار می‌توانیم بگوییم که زندگی، تعاملی است بین اراده ما و اراده پروردگار عالم و در نهایت هیچ چیزی از اراده مطلق پروردگار عالم خارج نیست.
- حتی توجه به همین موضوع که «خدا هست و بر ما قدرت دارد» خیلی از مسائل را حل می‌کند و باعث می‌شود زندگی ما بهتر شود. توجه به اینکه لااقل بخشی از زندگی ما تحت مقدرات الهی است، زندگی را بهتر می‌کند. حالا تصور کنید که اگر این مقدرات الهی با زندگی ما همراهی کند، چقدر زندگی ما بهتر می‌شود!

مرور چند آیه که ما را به موضوع مقدرات الهی توجه می‌دهد

- در اینجا بخشی از آیات قرآن که این موضوع (مقدرات الهی) را به ما توجه می‌دهد، مرور می‌کنیم. می‌فرماید: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يَبْدَكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران/ ۲۶) بگو خدایا! تو پادشاهی و همه عالم مال توست، تو پادشاهی را به هر کسی بخواهی می‌دهی و پادشاهی را از هر کسی که بخواهی می‌گیری، و تو هر کسی را که بخواهی عزیز می‌کنی و هر کسی را بخواهی ذلیل می‌کنی، همه خوبی‌های عالم در دست توست و تو بر هر کاری توانا هستی
- سفارش شده است که در بسیاری از مواقف خاص، این آیه و آیه بعد را به عنوان ذکر (در دعاهای خودمان) بگوییم، گرفتاری‌ها را برطرف می‌کند و زندگی را بهتر می‌کند. البته اینها دعا یا خواسته ما از خدا نیست بلکه بیان اعتقاد ما محسوب می‌شود و به نوعی درد دل یا بیان چیزهایی است که انسان می‌فهمد. اصلاً بخشی از دعاهای ما به درگاه خدا بیان آن چیزهایی است که ما می‌فهمیم و البته این فهم و درک ما خیلی برای خدا مهم است و خدا این فهم ما را خیلی دوست دارد. درباره موسی بن عمران (ع) گفته شده است که ایشان «کلیم الله» است و خیلی قشنگ با خدا حرف می‌زد و خداوند هم حرف زدن موسی (ع) با خودش را دوست داشت. هم خوب حرف می‌زد و هم حرف خوب می‌زد.
- در آیه بعدی می‌فرماید: «تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران/ ۲۷) از دل شب، روز را بیرون می‌آوری و از دل روز، شب را بیرون می‌آوری (شب را در دل روز قرار می‌دهی و روز را در دل شب قرار می‌دهی) و زنده‌ای را از دل مرده‌ای خارج می‌کنی و مرده‌ای را از دل زنده‌ای خارج می‌کنی. و هر کسی که بخواهی، بی‌حساب به او روزی می‌دهی. ای خدایی که بهار و زمستان می‌آوری، فرزند خوبی را از دل یک خانواده بد بیرون می‌آوری و فرزند بدی را از دل یک خانواده خوب بیرون می‌آوری. مانند فرزند نوح. یا مثل یکی از فرزندان امام صادق (ع) که

موجب قتل امام کاظم(ع) شد. یا مثل نوه امیرالمؤمنین(ع) و فرزند محمد بن حنفیه، که نامش «حسن» بود و می گفت: «من نمی دانم که حق با علی(ع) است یا حق با معاویه است!»

ذکر «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» به ما آرامش می دهد و آرامش یکی از ارکان زندگی بهتر است

• برای رسیدن به زندگی بهتر، باید توجه کرد به اینکه «زندگی دست خداست» این حرف ما نیست، این توصیه ما به همدیگر نیست، این یک ذوق و سلیقه نیست، بلکه این توصیه خود پروردگار عالم است که با تعبیر مختلف به ما می فرماید: «ببین که کارها دست من است؛ لا اقل همین قدر توجه داشته باش!»

• «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ذکر است که توصیه شده است بعد از هر نماز لا اقل هفت مرتبه بگوییم. این ذکر توجه ما را به قدرت خدا جلب می کند و به ما تذکر می دهد که همه کارها دست خداست، لذا به ما آرامش می دهد؛ آرامشی که یکی از ارکان زندگی بهتر است. در روایات آمده است، همین که بنده ای بعد از دعا- این ذکر را می گوید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» خداوند متعال به ملائکه می فرماید حوائج بنده مرا برآورده کنید، چون او فهمید که کارها دست من است. (مَا مِنْ رَجُلٍ دَعَا فَخَتَمَ بِقَوْلِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِلَّا أُجِيبَتْ حَاجَتُهُ؛ ثواب الاعمال/۹)

اینقدر سرگرم بازی نشو، به آن کسی که تو را بازی می دهد توجه کن!

• اینقدر دست دیگران را نبین! این قدر قدرت خودت را نبین! اینقدر به بازی خودت در کوچه پس کوچه های زندگی سرگرم نشو! به بالا نگاه کن و به آن کسی که دارد تو را بازی می دهد توجه کن. به آن کسی که هر لحظه اراده کند، می تواند کل بازی تو را تغییر دهد، کسی که می تواند موانع و امکانات تو را تغییر دهد. او کارگردان صحنه است که به تو امکان انتخاب خوب یا بد می دهد.

• روی دیگران هم زیاد حساب نکن، البته با دیگران تعامل صحیح داشته باش و از آنها به درستی استفاده کن. گاهی اوقات خداوند رزق یک مؤمن را در دست یک مؤمن دیگر قرار می دهد که روزی اش از طریق او برسد. مثلاً اینکه شما از کسی وام یا قرض می گیری و کار شما راه می افتد. این اشکالی ندارد. درخواست کمک کردن از برادر دینی، وقتی که در تنگنا افتادی، اشکالی ندارد، اما بدان که کار در دست خداست. تدبیر کن، برنامه ریزی کن، منتها بدان که گاهی خدا تدبیرها و برنامه های تو را به هم می زند.

آمار خداوند در قرآن: «اکثر مردم نمی دانند من روزی ها را تعیین می کنم»

• خداوند در آیه دیگری می فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (اسراء/۳۰) خدا برای هر کسی بخواهد، رزقش را زیاد می کند و خدا مقدر می کند(اندازه ها را تعیین می کند) که او به بندگان خودش خبیر و بصیر است.

• بنده دارم شما را به موضوعی توجه می دهم که خداوند متعال فرموده «اکثر مردم از این موضوع غافل هستند!» این آمار است خداوند از بندگانش گرفته و می فرماید: «قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا/۳۶) یعنی خدا روزی ها را تعیین می کند ولی اکثر مردم- این را- نمی دانند! مردم با اسباب و علل درگیر می شوند.

همان همسری که خدا برایت مقدر کرده، نصیبت می شود حتی اگر پیامبر(ص) و جبرئیل برایت دعا کنند

• نباید درگیر اسباب و علل بمانیم. زندگی بهتر یعنی اولاً به مقدرات الهی توجه کنیم، و ثانیاً اینکه این مقدرات به نفع ما تمام شود. در قدم اول باید توجه کنیم به اینکه زندگی ما در دست خداست. پیامبر گرامی اسلام(ص) می فرماید: اگر من دعا کنم، و حضرت

جبرئیل و اسرافیل و میکائیل هم دعا کنند، برای اینکه یک همسری غیر از آن کسی که خدا مقدر کرده نصیب شود، دعای ما مستجاب نخواهد شد، بلکه همان همسری که خدا مقدر کرده نصیب خواهد شد؛ لو دَعَا لَكَ إِسْرَافِيلُ وَ جِبْرِيْلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ أَنَا فِيهِمْ مَا تَزَوَّجَتْ إِلَّا الْمَرْأَةَ الَّتِي كُتِبَتْ لَكَ» (میزان الحکمه/ح ۱۶۵۰۰ - کنز العمال/۵۰۱)

- علاوه بر آن محدودیت‌هایی که در زندگی می‌پذیریم، باید به این مقدراتی که خدا برای ما تعیین می‌کند، نیز حواسمان باشد و مدام توجه کنیم. همین توجهی که به خدا پیدا می‌کنیم، غبار تکبر را از چهره ما بر می‌دارد. زندگی بهتر یعنی اینکه توجه شما بیشتر باشد به اینکه قدرت لایزال الهی بر زندگی شما خیمه زده است.

ما توسط مقدرات الهی احاطه شده‌ایم؛ و در عین حال اراده و اختیار هم داریم

- شما صبح که از خانه بیرون می‌آید و تاکسی سوار می‌شوید، این تاکسی، تصادفی سر راه شما قرار نگرفته است. و همنشین‌های شما در تاکسی هم تصادفی در کنار شما قرار نگرفته است. و وقتی راننده تاکسی رادیو را روشن می‌کند، آن خبر یا پیامی که رادیو پخش می‌کند نیز تصادفاً به گوش شما نمی‌رسد. هیچ کدام تصادفی نیست، با هر کدام از این اتفاقات، خدا با شما کار دارد. خدا خیلی در کارهایش دقیق است ولی ما سطحی برخورد می‌کنیم.
- تو این طوری توسط مقدرات الهی احاطه شده‌ای؛ اما در عین حال، تو اراده هم داری، و اطرافیان تو هم اراده دارند ولی اگر اطرافیان تو بخواهند یک اراده‌ای به خرج بدهند که زندگی تو را به هم بریزند-یعنی خارج از آن برنامه‌ای که خدا برای تو دارد- خدا به آنها اجازه نمی‌دهد. همه این هماهنگی‌ها را خداوند در آن واحد دارد برای میلیاردها انسان انجام می‌دهد.
- انسان‌ها در حیطه مقدرات الهی قرار دارند اما در عین حال اختیار و اراده هم دارند، البته نه اختیار مطلق؛ بلکه اختیار محدود و حساب شده دارند. هر کسی نمی‌تواند هر کاری بکند. زندگی ما صد در صد دست خودمان نیست، البته خدا به تک‌تک رفتارهای ما اهمیت می‌دهد و به عذرخواهی‌های ما هم اهمیت می‌دهد و اینها ممکن است در مقدرات ما تأثیر داشته باشد.

اگر قرآن بخوانید، قدرت خدا را بیشتر حس می‌کنید / کسی که قدرت خدا را می‌بیند، برای غیر خدا قدرتی قائل نمی‌شود

- اگر قرآن بخوانید، قدرت خدا را بیشتر حس می‌کنید، چون خداوند در قرآن، قدم به قدم از این قدرت و تسلط خودش بر حیات بشر، سخن گفته است. می‌دانید چرا حضرت امام(ره) از کسی نمی‌ترسید؟ یکی از دلایلش این بود که روزی ۱۲ مرتبه قرآن می‌خواند و کسی که قرآن بخواند، قدرت خدا را می‌بیند، لذا برای غیر خدا قدرتی قایل نمی‌شود. چنین کسی بنده خوبی برای خدا می‌شود.
- شما به داستان حضرت موسی(ع) نگاه کنید. با اینکه فرعونیان قبل از ابتدای ولادت، دنبالش بودند که او را به قتل برسانند، ولی موسی(ع) در همان کاخ فرعون، زندگی کرد و بزرگ شد. چرا؟ چون خدا خواسته بود.

چند روایت درباره تدبیرهایی که خدا برای زندگی ما انجام می‌دهد

- درباره قدرت خداوند و تدبیرهایی که برای زندگی ما انجام می‌دهد، روایت بسیار است. مثلاً امیرالمؤمنین(ع) در آغاز خطبه شریف حمام می‌فرماید: «فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ وَ وَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ» (نهج البلاغه/خطبه ۱۹۳) خداوند در این دنیا برای هر کسی یک جایی تعیین کرد و برای هر کسی یک زندگی و معیشتی تعیین کرد.

- پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبِيدٍ خَيْرًا رَزَقَهُمُ الرِّفْقَ فِي مَعَاشِهِمْ» (کنز العمال/ ۵۴۵۱) وقتی خدا برای بندگان خودش خیر بخواهد، رفق در معیشت به آنها عنایت خواهد کرد. رفق به معنای آسودگی است؛ یعنی خدا زندگی آنها را سخت نمی کند و نمی گذارد درگیر باشند. و به آنها آسودگی می دهد که به خداپرستی خود پردازند.
- در ادامه روایت فوق می فرماید: «و إِذَا أَرَادَ بِهِمْ شَرًّا أَوْ قَالَ غَيْرَ ذَلِكَ رَزَقَهُمُ الخُرْقَ فِي مَعَاشِهِمْ» (همان) وقتی که خدا شر آنها را بخواهد در زندگی به آنها حماقت می دهد. مثلاً اینکه گاهی انسان بیهوده پول خود را خرج می کند یا مثل افراد نادان خودش را بی جهت، دچار گرفتاری می کند. (اینکه خدا شر کسی را بخواهد یعنی خدا از آن شخص، خوشش نیاید و بخواهد او را به حال خودش رها کند)
- رسول خدا (ص) در روایت دیگری از قول خداوند متعال می فرماید: «أَيُّمَا عَبْدٍ خَلَقْتُهُ فَهَدَيْتُهُ إِلَى الْإِيمَانِ وَحَسَنْتُ خُلُقَهُ وَ لَمْ أُبْتَلِهِ بِالْبُخْلِ فَإِنِّي أَرِيدُ بِهِ خَيْرًا» (امالی طوسی/ ۲۴) من هر بنده ای را که به او ایمان بدهم و اخلاقش را خوب کنم و بخل را از او بگیرم، یعنی خیرش را می خواهم. (یعنی اینها علامت های خوبی است که از سوی خدا به ما می رسد).

قایم موشک، بازی عارفانه ای است!

- این طور نباشد که فقط بعضی وقت ها قدرت خدا را در زندگی خودت ببینی و به آن توجه پیدا کنی. بلکه ان شاء الله به جایی برسی که بتوانی بگویی: «خدایا! من دارم از پشت پرده می بینم!» اگر این طور بشود، خدا هم پرده را کنار می زند.
- **قایم موشک، خیلی بازی عارفانه ای است! چشم می گذاری و بعد می روی دنبال رفقای خودت می گردی. اگر رفیقت پشت پرده باشد و یک ذره پرده تکان بخورد، تو می فهمی و پرده را کنار می زنی و می بینی که آنجا ایستاده است. می گویی: «تو را دیدم» بعد می روی و او دنبال تو می آید. یعنی وقتی او را دیدی، حالا او به دنبال تو می آید.**
- خدا پشت پرده زندگی ما ایستاده است و مدام دارد پرده را تکان می دهد تا ما متوجه او بشویم. ولی متاسفانه ما متوجه نمی شویم! خدا هر چقدر این پرده را تکان می دهد باز هم ما نمی فهمیم و متوجه حضور او نمی شویم. دیگر خدا باید چه کار کند که ما متوجه شویم؟! منتها اگر متوجه شوی و او را ببینی، خدا از پشت پرده بیرون می آید. این قاعده بازی قایم موشک است. برای بعضی ها خدا از پشت پرده بیرون آمده است.

